



The Study of Conceptual Metaphors Related to COVID-19 in Persian Newspapers: A Corpus-Based Study

Somayeh Hatamzadeh*  Master student of English language and literature, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Reza Kazemian  PhD student in Linguistics, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Abstract

Conceptual metaphors play a pivotal role in understanding different aspects of life. One of these aspects is illness which remained a rich area of investigation in Persian. Current study took a cognitive-corpus approach and adopted the conceptual metaphor model (Lakoff & Johnson, 1980; Kövecses, 2005) to examine Corona-related metaphors. The case studies comprised Persian press reports describing Corona-related news taken from newspaper websites over the period spanning almost the three months since the first Corona Virus case was reported in Iran. Quantitative and qualitative analyses were done examining the frequency and metaphoric statements related to COVID-19. 176 metaphoric statements with 8 main mappings (war, human, journey, natural force, wild animal, game, tool, and fire) were identified. The findings showed that “war metaphor” is the most frequent one with almost 60 percent of all metaphor occurrences. The results of the study also verified the direct connection between culture and illness metaphors.

Keywords: Conceptual metaphors, Cognitive linguistics, Corpus linguistics. Covid 19.

* Corresponding Author: somayehhatamzadeh@gmail.com

How to Cite: Hatamzadeh, S., Kazemian, R. (2021) The Study of Conceptual Metaphors Related to COVID-19 in Persian Newspapers: A Corpus-Based Study. *Language Science*, Corona Special Letter, Vol. 8, 57-86. Doi: 10.22054/ls.2020.53499.1353

۱. مقدمه

در زبان‌شناسی شناختی^۱ استعاره به معنای درک یک مفهوم از یک حوزه معنایی در قالب حوزه معنایی دیگری است (Lakoff & Johnson, 1980: 5). کوچش^۲ (۲۰۲۰) تعریف روشن‌تری از استعاره ارائه می‌دهد که بر این اساس، استعاره عبارت است از مجموعه تطبیق‌هایی که بین دو حوزه معنایی مبدأ و مقصد اتفاق می‌افتد (Kövecses, 2020: 2). اولین بار لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) بحث درباره استعاره‌های مفهومی^۳ را مطرح کردند. در استعاره‌های مفهومی، تلاشی به منظور خلق شباهت و واقعیت در توصیف یک مفهوم انتزاعی، پیچیده و حساس صورت می‌گیرد. این نظریه با دیدگاه‌های سنتی که معتقدند ما در تلاش برای کشف شباهت‌های موجود و از پیش تعیین شده بین دو حوزه معنایی هستیم، در تناقض است. در واقع، به یاری استعاره‌ها و براساس مجموعه‌ای از ویژگی‌های مشترک بین دو حوزه معنایی مبدأ و مقصد، یک مفهوم پیچیده و انتزاعی را به زبان ساده و عینی توصیف می‌کنیم.

در خصوص کاربرد استعاره، نظریه‌های متعددی مطرح شده است. لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) نقش استعاره را خلق یک واقعیت در جامعه می‌دانند و معتقدند که بسیاری از واقعیات جامعه در ارتباط با استعاره‌ها شکل می‌گیرد و ما در زندگی از همین استعاره‌ها تأثیر می‌گیریم، براساس آن‌ها تصمیم می‌گیریم و عمل می‌کنیم (Lakoff & Johnson, 1980: 158). این واقعیات عمیقاً در نظام مفهومی ذهن ما ریشه دوانده‌اند و قسمتی از الگوهای ذهنی ما را تشکیل می‌دهند، یا به عبارتی دیگر، به صورت طرحواره در حافظه درازمدت ما تثبیت می‌شوند. از طرفی دیگر، سمینو^۴ (۲۰۰۸) معتقد است که سخنوران با هدف فصاحت و بلاغت کلام از استعاره استفاده می‌کنند. وی همچنین نقش استعاره‌ها در ایجاد انسجام در گفتمان را ضروری تلقی می‌کند (Semino, 2008: 52).

نکته قابل توجه دیگر، ارتباط نزدیک و مسلم میان استعاره و فرهنگ است. تعریف فرهنگ به زبان ساده، معناسازی^۵ از تجربیات متفاوت زندگی است که در میان مردم یک جامعه به صورت یکسان صورت می‌گیرد (Kövecses, 2009: 136). نظر به اینکه هدف

1. cognitive linguistics
2. Kövecses, Z.
3. conceptual metaphor
4. Semino, E.
5. meaning making

مشترک فرهنگ و زبان خلق معنا از تجربیات روزمره زندگی ماست و از آنجا که استعاره‌ها در فکر ما، و نه منحصرأ در کلام ما، بروز می‌یابند (Lakoff & Johnson, 1980: 3)، ارتباط میان استعاره و فرهنگ پراهمیت شمرده می‌شود.

در توصیف هر مفهومی در قالب یک استعاره، یک جنبه آن مفهوم مدنظر قرار می‌گیرد، درحالی که از بقیه جنبه‌ها چشم‌پوشی می‌شود. به‌عنوان مثال، هنگامی که سرطان را در حوزه جنگ تعریف می‌کنیم، آنچه بیش از همه به ذهن می‌رسد فراهم کردن ارتشی قدرتمند به‌منظور مبارزه با سلول‌های سرطانی و غلبه بر آنهاست. از طرفی دیگر، هنگامی که سرطان را با مفهوم سفر تعریف می‌کنیم، رویارویی با این بیماری مهلک در قالب سفری تعریف شده که در آن، سرطان هم‌سفر ما محسوب می‌شود و ما ناچار به همزیستی با آن هستیم. نکته‌ای که در اینجا جالب توجه است قائل شدن به بیشی است که از این دو استعاره متفاوت حاصل می‌شود. استعاره **سرطان جنگ است**^۱ بیماری را دشمن می‌داند و ذهن فرد بیمار را به سمت جنگ و مبارزه با سلول‌های سرطانی و مزاحم سوق می‌دهد، درحالی که استعاره **سرطان سفر است**^۲ دیدگاه مثبت‌تری نسبت به سرطان القا می‌کند و بیمار را برای دشواری‌های این راه آماده می‌سازد؛ بنابراین، مفهومی که یک استعاره بیان می‌کند تأثیر بسزایی در تصور و اندیشه ما از آن مفهوم دارد و در شیوه زندگی و تصمیم‌گیری ما در زندگی رد و نشان برجسته‌ای از خود به جای می‌گذارد. بدین ترتیب، آنچه در این مقاله مورد کاوش و بررسی قرار می‌گیرد توصیف ویروس جدید کرونا از حوزه‌های مبدأ گوناگون است که تصویر ویژه‌ای از این بیماری به ما می‌دهد و بر دیدگاه و نحوه برخورد ما با آن، تأثیر غیرقابل‌انکاری دارد.

استعاره‌های مفهومی به جزء لاینفک زبان انسان بدل گشته است و روزانه انسان به‌شکل گسترده‌ای از آنها بهره می‌برد. یکی از جنبه‌های زندگی انسان صحنه‌های ناگوار دست‌وپنجه‌نرم کردن با بیماری‌های گوناگون است. در چند سال اخیر، مطالعات حوزه استعاره‌های مفهومی توجه ویژه‌ای به استعاره‌های به‌کاررفته در حوزه و گفتمان‌های بیماری‌های مختلف مبذول داشته است (مانند: Semino et al., 2015, 2018; Gibbs & Frank, 2002; Reisfield & Wilson, 2004) و این حوزه را منبعی ارزشمند و

1. CANCER IS WAR.

2. CANCER IS JOURNEY.

قابل توجه از نظر وقوع استعاره‌های مفهومی تلقی کرده‌اند. علی‌رغم حجم وسیعی از تحقیقات انجام شده در زمینه استعاره‌های مربوط به بیماری در اکثر زبان‌های دنیا، به‌ویژه زبان‌های انگلیسی (Nerlich & Halliday, 2007; Semino et al., 2015, 2018)، چینی (Chiang & Duann, 2007)، آلمانی (Zinken, 2007)، اسپانیایی و فرانسوی (Negro, 2016)، به نظر می‌رسد این موضوع در زبان فارسی چندان مورد توجه قرار نگرفته است. از این رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی استعاره‌های مفهومی به کاررفته در خصوص ویروس جدید و همه‌گیر کرونا (کووید ۱۹) و همچنین اغنای این بخش از حوزه استعاره‌های مفهومی، کار خود را آغاز می‌کند. این مطالعه قصد دارد تا در قالب چهارچوب نظری استعاره‌های مفهومی (Lakoff & Johnson, 1980)، به بررسی استعاره‌های به کاررفته در خصوص ویروس کرونا در اخبار موجود در روزنامه‌های ایران بپردازد تا دریابد چه نوع استعاره‌های مفهومی در خصوص این ویروس به کار گرفته شده و چه نداشت ذهنی‌ای در پس آن نهفته است؟ آیا رابطه معناداری میان نوع ویروس و استعاره‌های به کاررفته وجود دارد؟ و در میان استعاره‌های موجود، کدام یک بیشترین میزان فراوانی را در خصوص این بیماری به خود اختصاص داده است؟

۲. پیشینه پژوهش

استعاره پدیده‌ای است زبانی متغیر از بافتی به بافت دیگر؛ بدین معنا که ممکن است طبق بافتی که در آن رخ داده، مفاهیم و عملکردهای متفاوتی از خود بروز دهد (Semino, 2008: 1). براین اساس، باید یک رابطه منطقی، بین متنی که یک استعاره در آن تجلی می‌یابد و معنایی که تداعی می‌کند، وجود داشته باشد؛ به زبان ساده‌تر، این بافت است که مفهوم یک استعاره را تعیین می‌کند. اولین بار، سانتگک^۱ (۱۹۷۹) کاربرد استعاره در حوزه بیماری را مطرح ساخت و به پژوهش در خصوص استعاره‌های بیماری سل و سرطان پرداخت. وی، در توصیف بیماری سرطان، به استعاره‌های جنگ اشاره کرده و نشان داده است که بیماری به منزله دشمن، بیمار به مثابه قربانی و داروها به منزله ضدحمله به شمار می‌آیند. پس از سانتگک، تحقیقاتی در این زمینه انجام شده که به جست‌وجو در صحبت‌های بیماران و پزشکان و پرستاران پرداخته و استعاره‌های موجود در زبان آن‌ها را

1. Sontag, S.

مورد بازبینی قرار داده است. نکته‌ی حائز اهمیت این است که استعاره در ایجاد رابطه‌ای مؤثر و صمیمی بین بیماران و پزشکان نقش مهمی ایفا می‌کند و به بیماران کمک می‌کند تا توانایی بیان احساسات و تجربیات خود از بیماری را از طریق استعاره به دست آورند. در تحقیقی که توسط گیبز و فرانکس^۱ (۲۰۰۲) انجام شد، دیدگاه شرکت‌کنندگان به بیماری سرطان مورد بررسی قرار گرفت. براین اساس، بیماران از بیماری سرطان به‌عنوان تجربه‌ای یاد کردند که روشن‌کننده‌ی راه زندگی آنهاست و نه مانعی بر سر راهشان. بیماران ادعا کردند که تجربه‌ی سخت بیماری سرطان به آنها کمک کرده است تا نگاه زلال‌تری به زندگی داشته باشند و زندگی بهتری را دنبال کنند.

در پژوهشی دیگر، سمینو و همکاران (۲۰۱۵)، در تحقیق درباره‌ی بیماری سرطان، به دو استعاره‌ی مهم دست یافتند: استعاره‌ی جنگ و استعاره‌ی سفر. این تحقیق نشان داد که نه استعاره‌های جنگ به‌طور طبیعی احساسات منفی القا می‌کنند و نه استعاره‌های سفر به‌خودی‌خود مثبت هستند. در نتیجه، بهتر است که استعاره‌ها را براساس میزان قدرت و روحیه‌ای که به ذهن بیمار القا می‌کنند، یا برعکس، بر مبنای میزان ناامیدی‌ای که در بیمار ایجاد می‌کنند ارزیابی کنیم، نه براساس جنگ یا سفر بودن آنها.

در پژوهشی جدیدتر، سمینو و همکاران (۲۰۱۸) باتکیه بر استعاره‌های جنگ و سفر، ثابت کردند که این استعاره‌ها در اصلاح دیدگاه بیماران نقش مؤثری داشته‌اند. این پژوهشگران میزان فراوانی واژه‌ها در هر استعاره را، به تفکیک بیماران و متخصصان، به‌وضوح نشان دادند و اظهار داشتند که در هر استعاره، بیماران و پزشکان واژه‌های متفاوتی به کار می‌برند.

مطالعه‌ی دیگری که در مورد استعاره‌های مربوط به بیماری انجام شده (Nerlich & Halliday, 2007)، به بررسی پوشش خبری همه‌گیری آنفلوآنزای مرغی پرداخته است. پژوهشگران در این تحقیق دریافتند که در مورد همه‌گیری آنفلوآنزای مرغی، استعاره‌های چندانی دیده نشده است، اما به نتایج جالب دیگری دست یافتند. این پژوهش نشان داد که در همه‌گیری‌ها، مطبوعات مسئول اطلاع‌رسانی و هشدار دادن به مردم هستند و از این طریق، باعث ایجاد و تقویت ترس، نگرانی و ناامیدی در جامعه می‌شوند؛ بنابراین،

1. Gibbs, R. W., & Franks, H.

مطبوعات و پوشش خبری آنها نقش مهمی در واکنش مردم و عملکرد آنها در یک همه‌گیری ایفا می‌کنند.

همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، حجم این دست از مطالعات در زبان فارسی به مراتب کمتر از نمونه‌های خارجی آن است تا جایی که تاکنون تنها یک پژوهش در زبان فارسی (وهاییان و ایزدی فر، ۱۳۹۸) به بررسی استعاره‌های مربوط به بیماری پرداخته است. این مطالعه، با ملاحظه و بازبینی اسناد پزشکی، به جست‌وجوی استعاره‌های سرطان و فراوانی آنها پرداخته و نشان داده است که فارسی‌زبانان، برای بیان مفاهیم پزشکی حوزه سرطان، از حوزه‌های مبدأ مختلفی همچون جنگ، سفر، حیوان وحشی، مانع، زندان و بار استفاده می‌کنند. همچنین، در این کاوش، بدن بیمار سرطانی تحت عناوین دستگاه، موجود زنده، ساختمان و وسیله نقلیه مورد توصیف قرار گرفت. این دو محقق بر این باور بودند که این استعاره‌ها می‌توانند تأثیرات مثبت و منفی بر تصور رایج درباره سرطان داشته باشند.

تحقیقات قابل ملاحظه‌ای، در بررسی فرهنگ ایرانی و تفاوت آن با فرهنگ آمریکایی در قالب استعاره‌های مفهومی در خصوص مفاهیم متعددی، به انجام رسیده است (Amouzadeh et al., 2012; Abbasvandi & Maghsoudi, 2013; Pirzad et al., 2012)، اما در زمینه بیماری‌ها، این فقدان قابل توجه است. در پژوهشی شناختی درباره اصطلاحات مربوط به رنگ‌ها، پژوهشگران به شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در خصوص استعاره‌های رنگ در دو زبان انگلیسی و فارسی پی بردند (Amouzadeh et al., 2012). در تحقیقی دیگر، تحلیلی درباره استعاره‌های خشم در زبان فارسی انجام گرفت (Abbasvandi & Maghsoudi, 2013). مطالعه دیگری هم به بررسی مفهوم استعاره‌ای احساسات در فرهنگ فارسی و آمریکایی پرداخت (Pirzad et al., 2012). نتایج این تحقیقات نشان داد که اگرچه این استعاره‌ها وابسته به فرهنگ‌اند و در هر فرهنگ، با واژه‌های ویژه‌ای تجلی می‌یابند، اما مواردی یکسان و مشترک در هر دو زبان وجود دارد که آنها را استعاره‌های همگانی^۱ می‌نامیم. دامنه استعاره‌های به کاررفته در توصیف بیماری کرونا نامحدود است و وابسته به زبان و فرهنگ هر کشوری، تغییر و تنوع می‌یابد. فرهنگ‌های متفاوت ممکن است برای توصیف مفهومی از حوزه مقصد، از حوزه‌های مبدأ متمایز با یکدیگر استفاده کنند؛ حتی یک حوزه مبدأ ممکن است، در فرهنگ‌های

متفاوت، به طرق مختلفی تفسیر شود. علاوه بر این، مواردی دیده شده که استعاره مفهومی به کاررفته در دو فرهنگ یکسان بوده، اما در یک فرهنگ، کاربرد یکی بر دیگری اولویت داشته است. کوچش (۲۰۰۵: ۳۸) سه دلیل ممکن برای همگانی بودن استعاره‌ها بیان می‌کند:

۱. به صورت شانس‌ی اتفاق می‌افتند.

۲. یک زبان استعاره‌هایی از زبان دیگر قرض می‌گیرد.

۳. یک انگیزه همگانی در همه فرهنگ‌ها به صورت یکسان وجود دارد.

پژوهش حاضر تنها تحقیقی است که، با کاوش در فرهنگ ایرانی، تأثیر فرهنگ بر استعاره را در بافت بیماری نوظهور کرونا نشان می‌دهد و به بررسی استعاره‌های مربوط به بیماری کرونا، به عنوان یک همه‌گیری جهانی، در فرهنگ ایرانی می‌پردازد. نکته‌ای که این تحقیق را از کاوش‌های قبلی متمایز می‌سازد، مطالعه مطبوعات و استعاره‌های به کاررفته در زبان آنهاست که در مورد یک بیماری جدید (کرونا) انجام می‌شود؛ درحالی‌که پژوهش‌های گذشته درباره بیماری‌ها، با توسل به مصاحبه با بیماران، تحقیقات خود را به انجام رسانده‌اند.

۳. چهارچوب نظری

چهارچوب نظری مورد استفاده در این مطالعه، چهارچوب استعاره‌های مفهومی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) و نظریه تنوع در استعاره‌ها^۱ از کوچش (۲۰۰۵) است. از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی، در استعاره، یک مفهوم مبهم و انتزاعی در قالب مفهومی ملموس‌تر و عینی‌تر تعریف می‌شود که دارای هویت فیزیکی است (Lakoff & Johnson, 1980: 5)؛ اما کوچش (۲۰۲۰) اظهار می‌دارد که مفاهیم انتزاعی و عینی، هر دو، ممکن است به صورت استعاره‌ای تفسیر شوند و به همین دلیل است که یک مفهوم انتزاعی و مبهم، در عبارتی، به عنوان حوزه مبدأ و در عبارتی دیگر، در جایگاه حوزه مقصد به کار می‌رود (Kövecses, 2020: 23). کوچش به تفصیل شرح می‌دهد که مفاهیم از دو بخش تشکیل شده‌اند: بخش مربوط به هستی‌شناسی که تعیین می‌کند چه نوع خصوصیات هستی‌شناسی یک مفهوم را به وجود می‌آورند و بخش شناختی که تعیین می‌کند چه راه‌هایی در

1. metaphor variation hypothesis

شکل‌گیری شناختی مفاهیم نقش دارند. طبق آرای کوچش، در مفاهیم عینی و ملموس، بخش هستی‌شناسی بر بخش شناختی برتری می‌یابد، درحالی‌که در مفاهیم انتزاعی، قسمت شناختی و استنباطی بر بخش دیگر غالب است (Kövecses, 2020: 32).

طبق نظریه استعاره‌های مفهومی، استعاره‌ها صرفاً برای زیباسازی کلام به کار نمی‌روند و نه تنها در متون ادبی، بلکه در زندگی روزمره ما، به‌طور ناخودآگاه و طبیعی به چشم می‌خورند (ر.ک. Lakoff and Johnson, 1980; Kövecses, 2002; Lakoff & Turner, 1989)؛ درحالی‌که دیدگاه‌های سنتی استعاره را خاص متون ادبی می‌دانستند که صرفاً با هدف بیگانه و ناآشنا کردن کلام به کار می‌رود و نقش تزئینی دارد. به‌علاوه، اگرچه رویکردهای سنتی اغلب قائل به وقوع استعاره در زبان بودند، نظریه‌های مدرن (زبان‌شناسی شناختی) حضور استعاره را منحصر به قالب زبان ندانسته و آن را پدیده‌ای کاملاً مفهومی و متجلی در ذهن ما می‌انگارند (Lakoff & Johnson, 1980: 3).

بحث کلیدی و اصلی استعاره مسئله نگاشت‌های^۱ ذهنی است. در استعاره، از طریق نگاشت‌های ذهنی، مفاهیمی از حوزه مبدأ^۲ به حوزه مقصد^۳ انتقال می‌یابد تا ذهن ما قادر به درک و توصیف یک پدیده پیچیده و انتزاعی به‌صورت ساده‌تری باشد. لازم به ذکر است که در درک یک مفهوم، تنها یک قسمت از معنا از حوزه مبدأ به حوزه مقصد انتقال می‌یابد؛ بنابراین، هنگامی که زمان را در قالب پول تعریف می‌کنیم، منظورمان این نیست که زمان واقعاً پول است، بلکه تنها ارزشمند بودن و محدود بودن پول است که مدنظر قرار می‌گیرد و به مفهوم زمان انتقال می‌یابد. بدین ترتیب، در هر استعاره، تنها یک بعد آن مفهوم مورد توجه و تمرکز است و بقیه جنبه‌ها در آن استعاره کنار می‌روند (Lakoff & Johnson, 1980:10).

هر استعاره استلزام‌هایی^۴ متشکل از استعاره‌های کلی دیگر را دربرمی‌گیرد که مشترکاً دنبال‌کننده یک هدف واحد هستند و در پیوند یک استعاره با مفاهیم مرتبط، نقش اساسی ایفا می‌کنند. این استعاره‌های کلی حوزه مبدأ و مقصد مشخصی ندارند و در نتیجه، از دامنه وسیع و نامحدودی برخوردار هستند. علاوه بر این، این استلزام‌ها اطلاعات کامل‌تری از

1. mapping
2. source domain
3. target domain
4. entailments

حوزه مبدأ به حوزه مقصد انتقال می‌دهند. کوچش (۲۰۲۰) بر این باور است که عوامل متعددی حدود مرز انتقال این اطلاعات را تعیین می‌کنند. به عنوان مثال، بنا بر اصل همسانی^۱ که لیکاف (۱۹۹۰) ارائه کرد، هر نوع اطلاعاتی که با طرحواره‌های حوزه مقصد تناقضی نداشته باشد، قابل انتقال از حوزه مبدأ به حوزه مقصد است (Kövecses, 2020: 5).

به طور کلی، استعاره‌های مفهومی کم‌ویش در هر فرهنگی رایج و متداول هستند. برخی از استعاره‌ها به خوبی شناخته شده‌اند و در نظام ذهنی ما، بسیار غنی هستند، به گونه‌ای که گویشوران یک زبان، به شکل وسیعی، از آنها استفاده می‌کنند. استعاره‌هایی که کمتر استفاده می‌شوند و چندان معمول و متداول نیستند، به استعاره‌های نو و بدیع معروف‌اند که معمولاً خاص اشعار و متون ادبی هستند. از آنجا که استعاره‌های متداول عمیقاً در الگوهای ذهن ما ریشه دوانده و میان عموم مردم، به طرز رایجی، کاربرد دارند، درک و فهم آنها ساده‌تر و سریع‌تر اتفاق می‌افتد. همان طور که گفته شد، استعاره‌های نو در متون ادبی، با هدف بیگانه‌سازی و جدید کردن زبان، مورد استقبال قرار می‌گیرند؛ با این حال، بسیاری از شعرا، در نوشتن اشعار خود، همین استعاره‌های معمول را به کار برده‌اند و با واژه‌های جدید، در قالبی نو، زبان شعر را به طرز بدیعی خلق کرده‌اند. نکته مهم قابل ذکر این است که در تمامی گفتمان‌ها، استعاره‌های مفهومی باعث به وجود آمدن انسجام و پیوستگی متن می‌شوند و همین موضوع به خواننده کمک می‌کند تا مفهوم دقیق‌تر و روشن‌تری از آن دریابد.

نکته مهم دیگر درباره استعاره‌ها، بحث فرهنگ است که عبارت است از دانش و تجربیاتی مشترک میان مردمی که در محیط فیزیکی، تاریخی و اجتماعی واحدی زندگی می‌کنند و به شکل یکسانی از آن برخوردارند (Kövecses, 2009: 12). مردم یک جامعه اغلب درک یکسانی از تجربیات یکدیگر دارند و در معناسازی از اتفاقات دنیا همسو هستند. از نظر کوچش (۲۰۱۰)، در ارتباط بین زبان و فرهنگ، آنچه مهم به نظر می‌رسد معناسازی است که در هر فرهنگ، به شیوه خاص خود، صورت می‌گیرد. این موضوع در مورد استعاره‌های مفهومی نیز صادق است. مردم یک جامعه با فرهنگ یکسان استعاره‌های ویژه‌ای برای خلق و درک مفاهیم به کار می‌برند. در واقع، طرحواره‌هایی که مردم یک جامعه از یک مفهوم در ذهن خود دارند، بازتابی از دانش و تجارب مشترک آنهاست.

1. invariance hypothesis

طبق مطالعات شناختی، معناسازی از تجارب فرهنگی و معناسازی از زبان مستلزم عملکردهای شناختی یکسانی است و به همین دلیل، مطالعه فرهنگ با مطالعه زبان تداعی می‌شود (Kövecses, 2010: 2). طبق فرضیه جسمی‌شدگی^۱ (Kövecses, 2005)، انطباق‌سازی بین طرحواره‌های ذهن ما و تجارب بدنی ما مسئول شکل‌دهی و تفسیر استعاره‌های مفهومی است (Kövecses, 2005: 19). در این پژوهش، نشان می‌دهیم که چگونه اتفاقات تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی یک کشور، در به‌وجود آمدن حوزه‌های مبدأ متعدد در یک فرهنگ، نقش کلیدی دارند.

۴. داده‌ها و روش تحقیق

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، این مطالعه قصد دارد به بررسی استعاره‌های مربوط به ویروس کرونا با استفاده از چهارچوب استعاره‌های مفهومی بپردازد. روش‌های سنتی و مرسوم، نظیر استفاده از شم زبانی گویشوران، مثال‌های ساخته‌شده توسط نویسندگان و مصاحبه، چندان در بررسی استعاره راهگشا نیست (Deignan, 2005) و بهره‌گیری از داده‌های پیکره‌ای برای بررسی استعاره‌ها به‌مراتب از فواید بیشتری برخوردار است (Kort, 2017)؛ به‌ویژه، استفاده از این دست داده‌ها سازوکارهای ذهن بشر را به‌روشنی نشان می‌دهد (Deignan, 2005). در نتیجه، تلاش شده است تا داده‌های موردنیاز در این پژوهش، واقعی و پیکره‌بنیاد باشد. محققان زبان‌های رایج امروزی، نظیر زبان انگلیسی، علی‌رغم جدید بودن موضوع، به‌سرعت پیکره‌ای برای بررسی داده‌های مرتبط با ویروس کرونا تهیه کردند، اما متأسفانه در زبان فارسی، چنین امکاناتی هنوز فراهم نیامده است و نویسندگان به چنین ابزاری دسترسی نداشته‌اند؛ لذا فرایند زمان‌بر و دشوار جمع‌آوری داده‌ها بر عهده خود نویسندگان بوده است. استعاره‌های مفهومی به بخش جداناپذیر زبان انسان بدل شده‌اند که بررسی آن‌ها دسترسی به زبان روز انسان را می‌طلبد. یکی از جلوه‌های حضور زبان انسان، که به‌خوبی قابل مشاهده و بررسی است، روزنامه‌ها هستند. روزنامه‌ها، پیش‌تر، به‌منظور مطالعات با محوریت تحلیل کلام، قدرت ایدئولوژیک و تحلیل سیاسی، مورد توجه بسیاری از زبان‌شناسان (مانند، van Dijk, 1988; Fowler, 1991) قرار گرفتند؛ اما محققان حوزه‌های دیگر، نظیر حوزه استعاره‌های مفهومی، خیلی

1. embodiment hypothesis

سریع متوجه اهمیت روزنامه‌ها به عنوان یک منبع تحقیقاتی ارزشمند شدند. روزنامه‌ها به دلیل اینکه عینیت زبان و فرهنگ به‌روز مردم را نشان می‌دهند و دسترسی گسترده، آنلاین و رایگان به آنها امکان‌پذیر است، همچنین به دلیل فراهم‌بودن امکان دسترسی تمام‌وقت به آنها از طریق تهیه آرشیوهای خبری، یکی از بهترین منابع موجود جهت استخراج داده‌های موردنیاز به شمار می‌آیند. از این‌رو، پژوهش حاضر نیز داده‌های خود را از روزنامه‌های فارسی‌زبان گردآوری کرده است. داده‌های موردنیاز این پژوهش از تیترا و متون خبری مربوط به کرونا در ۱۵ روزنامه فارسی‌زبان داخلی (ایران، شرق، کیهان، آرمان ملی، جام‌جم، اعتماد، قدس، رسالت، تجارت، شهروند، ابتکار، همشهری، وطن امروز، ستاره صبح و مستقل)، از تاریخ آغاز کرونا در ایران (۱۳۹۸/۱۱/۳۰) تا زمانی که وضعیت درمانی، تعداد مبتلایان و قربانیان آن به حدی از پایداری رسید (۱۳۹۹/۲/۳۱)، گردآوری شده است.

در حال حاضر، امکان شناسایی و گردآوری استعاره‌ها از درون پیکره و متون موجود، به‌صورت تمام‌رایانشی، وجود ندارد؛ لذا این فرایند به‌صورت دستی توسط نویسندگان و در قالب فرایند مرسوم شناسایی استعاره (Pragglejaz group, 2007) انجام پذیرفت. فرایند مذکور الگویی نظام‌مند و مؤثر به‌منظور تشخیص استعاره‌های موجود در متن است و از چهار مرحله اصلی تشکیل شده که عبارت‌اند از:

۱. خواندن کل متون موردنظر به‌منظور دست‌یافتن به فهمی کلی از استعاره‌های موردنظر.
۲. مشخص نمودن واحدهای واژگانی متون.
۳. بررسی معنای بافتی واحدهای واژگانی مذکور در متون، با توجه واحدهای واژگانی قبل و بعد از آنها و همچنین توجه به معنای پایه‌ای آنها.
۴. انتخاب به‌عنوان استعاره در صورت مشاهده تفاوت میان معنای بافتی و پایه‌ای.

۵. یافته‌ها و بحث

۱-۵. رویارویی با ویروس جنگ است

ویروس دشمن است.

به نظر می‌رسد در میان همه حوزه‌های مبدأ که به توصیف بیماری کرونا می‌پردازند، استعاره‌های جنگ نسبتاً از فراوانی بالاتری برخوردار باشند (نگاه کنید به جدول ۳). استعاره‌هایی که دلالت بر خشونت دارند، بیماری را به منزله یک مهاجم می‌دانند (Semino et al., 2018: 3). ظاهراً استعاره‌های جنگ عمیقاً ریشه در نظام مفهومی ذهن ما دارند و در توصیف بسیاری از مفاهیم انتزاعی و پیچیده، به صورت متداول، به کار می‌روند. با این حال، توصیف بیماری‌ها در قالب استعاره‌های جنگ با انتقادهایی مواجه شده است (Sontag, 1979)، از جمله اینکه استعاره‌های جنگ منجر به تضعیف روحیه و قدرت بیمار می‌شوند و بدین ترتیب، بیمار در کی منفی از خود پیدا خواهد کرد؛ زیرا ارتباط بیمار و بیماری را به یک پیکار تبدیل می‌کند و چنانچه بیماری بهبود نیابد، بیمار در این جنگ با شکست مواجه خواهد شد (Semino et al., 2018: 3).

مفهوم جنگ ابعاد متفاوتی را در بر می‌گیرد که شامل ترس، نگرانی، استرس، ناامیدی، تنهایی و مرگ است (Semino, 2008: 308). از طرفی دیگر، واژه جنگ فقط دربرگیرنده مفاهیم منفی نیست، بلکه مفاهیم مثبتی همچون اتحاد، همبستگی، و مقاومت در مقابل دشمن را نیز تداعی می‌کند. هنگامی که صحبت از جنگ می‌شود، ناگزیر با نیروهای ناسازگار و درحال‌ستیز مواجهیم. نکته قابل توجه دیگر در مبحث جنگ، مدنظر داشتن اهداف و برنامه‌های راهبردی است؛ هر دو گروه، برای رسیدن به هدفی معین، سیاست‌های تدافعی ویژه‌ای را دنبال می‌کنند. لازم به یادآوری است که هر جنگی برندگان و بازندگان تعریف شده‌ای دارد. نکته مهم دیگری که درباره مفهوم جنگ در طرحواره‌های ذهنی ما نهفته این است که جنگ هویتی ناپایدار و زودگذر دارد و روزی پایان خواهد یافت.

از بررسی دقیق‌تر جنبه ترس در مفهوم جنگ، استعاره‌های مفهومی جالبی برمی‌خیزد

از قبیل:

ترس یک دشمن مخفی است.

ترس یک رقیب مخالف است.

ترس یک شکنجه‌گر است. ترس یک بیماری است.

ناگفته پیداست که استعاره‌های ترس که در اینجا مطرح شد، ترس را چون دشمن می‌دانند و در قالب یک نیروی مخالف توصیف می‌کنند. ظاهراً دو مفهوم ترس و جنگ در هم تنیده شده‌اند و ارتباطی تنگاتنگ با هم دارند. نکته جالب اینکه در همه این استعاره‌ها، حوزه‌های مبدأ مطرح شده در توصیف بیماری کرونا نیز به کار می‌روند که بیماری را به منزله دشمن مخفی، رقیب، مخالف و شکنجه‌گر می‌دانند. به عبارت دیگر، ما براساس تجربیات روزمره خود، ترس را با این مفاهیم تعبیر می‌کنیم. این مفاهیم که از ابعاد مختلف جنگ محسوب می‌شوند، در توصیف ترس به کار می‌روند؛ به همین دلیل است که می‌گوییم حوزه معنایی جنگ دامنه وسیعی دارد.

توصیف بیماری (کرونا) در قالب جنگ مستلزم تطبیق‌هایی بین دو حوزه معنایی مبدأ و مقصد است که درون طرحواره‌های ذهن ما صورت می‌گیرد. در توصیف حوزه مقصد، نگاشت‌هایی بین دو حوزه شناختی صورت می‌گیرد که در جریان آن، پیام‌هایی از حوزه مبدأ به حوزه مقصد انتقال می‌یابد (Stockwell, 2002: 107).

جدول ۱. حوزه‌های مبدأ و مقصد در استعاره جنگ

حوزه مبدأ	حوزه مقصد
دشمن	ویروس
حمله دشمن	حمله سلول‌های عفونی
ضدحمله علیه دشمن	درمان دارویی
سربازها	سیستم ایمنی بدن
سلاح	داروهای شیمیایی
تکنیک‌های جنگی	راه‌های کنترل انتشار ویروس
قهرمان‌های جنگ	پرستارها و دکترها
میدان جنگ	بدن انسان

طبق جدول (۱)، براساس تطبیق‌هایی که بین دو حوزه معنایی صورت پذیرفته، استعاره **رویارویی با ویروس جنگ است/ویروس دشمن است** استنباط می‌شود. توصیف ویروس جدید کرونا، در قالب مفاهیم جنگی، به‌وفور در زبان فارسی دیده می‌شود که

همگی اشاره به استعاره **رویارویی با ویروس جنگ است** دارند. ناگفته پیداست که هر استعاره مفهومی به‌منظور نمایان‌شدن در قالب تعبیرات استعاره‌ای متفاوت به کار می‌رود. بدین ترتیب، استعاره‌های جنگ، خود نیز متجلی عبارات استعاره‌ای متنوعی هستند. واژه‌های جنگی که در این جملات به چشم می‌خورند عبارت‌اند از: جنگ، مقابله، مبارزه، نبرد، پیروزشدن، حمله کردن و غیره؛ که هر کدام معنای ویژه‌ای را تداعی می‌کنند. به‌عنوان مثال، جمله (۱) جنگ با کرونا را «نبرد نابرابر» می‌داند. «نبرد» واژه‌ای است که اشاره به جنگی بزرگ با دشمنی سرسخت دارد که به یاری ارتشی عظیم و تجهیزات جنگی انجام می‌پذیرد. عبارت «نبرد نابرابر» از عبارات پرتکرار در میان ایرانیان است که معمولاً در مواقع دشواری از آن استفاده می‌کنند. کاربرد زیاد این عبارت ظاهراً ریشه در فرهنگ پس از انقلاب و مدرن ایرانی دارد که یادآور مشکلات عدیده جنگ نابرابر ایران و عراق و همچنین، تحریم‌های اقتصادی علیه ایران است.

(۱) مقابله با کرونا نبرد نابرابر است.

در نمونه (۲)، به کارگیری واژه «مبارزه» در صحبت از ویروس کرونا قابل توجه است. «مبارزه» بار معنایی مثبتی را القا می‌کند که دلالت بر شجاعت، دلاوری، فداکاری، و جنگاوری‌های قهرمانان جنگ دارد. این واژه حس همبستگی و همکاری بین مردم را، به‌ویژه در شرایط نامعلوم جنگ، تداعی می‌کند. در این جمله، ویروس کرونا به متجاوز می‌ماند که به حریم امن خانه ما وارد شده و ما می‌کوشیم تا در یک مبارزه، او را بیرون کنیم.

(۲) بدون ترس، همه با هم، با کرونا مبارزه می‌کنیم.

طبق نظریه تنوع در استعاره‌ها، نقش تاریخ یک ملت در خلق استعاره‌های جدید را نمی‌توان نادیده گرفت. کوچش (۲۰۰۵: ۲۴۱) بر این باور است که اصطلاحات استعاره‌ای فراوانی که وارد زبان یک ملت شده‌اند ناشی از اتفاقات کوچک و بزرگی است که در گذشته هر ملتی رخ داده‌اند. چنان که در دو جمله بالا دیدیم، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در خلق واژه‌های استعاره‌ای بسیاری، به‌ویژه در حوزه جنگ، نقش مؤثری داشته است.

نکته جالب توجه دیگری که از بررسی داده‌ها حاصل شد، عدم گرایش فارسی‌زبانان به استفاده مستقیم از واژه دشمن در اشاره به ویروس است. فارسی‌زبانان به صورت غیرمستقیم ویروس کرونا را دشمن می‌نامند و تمایل چندانی به استفاده از عبارت دشمن ندارند:

(۳) کرونا در کمین است.

(۴) قربانیان کرونا

طبق تطبیق‌هایی که بین دو حوزه معنایی مبدأ و مقصد اتفاق می‌افتد و در جدول (۱) نیز نشان داده شده است، استعاره‌هایی مستلزم وجود دارند که به استعاره جنگ، که در بالا به آن اشاره شد، مربوط می‌شوند.

۱-۱-۵. عمل حرکت است.

عمل یک حرکت خودران است.

در عبارت (۵)، مبارزه به عنوان یک عمل نظامی با حرکت همراه است. استعاره کلی **عمل حرکت است** دامنه وسیعی دارد و در حوزه‌های معنایی دیگری هم به کار می‌رود. **عمل حرکت است** در حوزه جنگ، مفاهیمی همچون «حمله کردن»، «یورش بردن»، «جنگیدن»، «مبارزه کردن» و فعالیت‌هایی را نشان می‌دهد که همراه با حرکت‌اند و منجر به بروز تغییراتی می‌شوند. به‌طور کلی، عمل‌ها اتفاقات ارادی و هدفمندی هستند و به همین ترتیب، در قالب حرکات خودران نیز تعبیر می‌شوند؛ بنابراین، در نمونه (۵)، واژه مبارزه اشاره به حرکتی با قصد و نیت ویژه‌ای دارد:

(۵) مبارزه با کرونا

۲-۱-۵. حرکت تغییر است.

در عبارات (۶) و (۷)، شکست کرونا و مبارزه با کرونا یک عمل است که منجر به ایجاد تغییر در میزان مرگ‌ومیر ناشی از کرونا می‌شود. به عبارت دیگر، تغییر یک حرکت است و اساساً، هر حرکتی با تغییر همراه است. حرکت ما در کنترل ویروس در تغییر (کاهش) در میزان موارد ابتلا نقش مهمی دارد:

(۶) بسیج ملی برای شکست کرونا

(۷) مشارکت ملی برای مقابله با کرونا

۳-۱-۵. کنترل، در دست نگه داشتن چیزی است.

کنترل یک عمل، کنترل یک حرکت خودران است.

در نمونه (۸)، در جنگ با کرونا، مهار کرونا به منزله کنترل شیوع بی رویه ویروس است. در فارسی، مهار کردن یعنی کنترل چیزی را در دست داشتن که خود یک مفهوم استعاره‌ای محسوب می‌شود. استعاره دیگری که از مفهوم عمل و حرکت برمی‌خیزد عبارت است از **کنترل یک عمل کنترل یک حرکت خودران است** که براساس آن، به منظور کنترل هر عملی، کنترل حرکت ارادی ما ضروری به نظر می‌رسد.

(۸) مهار کرونا

۴-۱-۵. کنترل بالا بودن است.

در عبارت (۹)، کرونا به عنوان یک دشمن در محاصره مردم واقع شده؛ به این معنا که کرونا تحت کنترل قرار گرفته است. مفهوم کنترل کردن و غلبه بر ویروس موقعیت بالا بودن و برتر بودن را تداعی می‌کند. هنگامی که ما بر دشمن فائق می‌آییم، در موقعیت بالاتری از او قرار داریم. کوچش (۲۰۰۲: ۴۰) اظهار می‌کند که موقعیت‌های بالا با ویژگی‌های مثبت و موقعیت‌های پایین با ویژگی‌های منفی تداعی می‌شوند. از طرف دیگر، واژه «ملی» مفاهیمی همچون اتحاد، همبستگی، مقاومت، و در نهایت پیروزی را در ذهن تداعی می‌کند.

(۹) کرونا در محاصره ملی

سرکوب کرونا در (۱۰) نیز اشاره به شکست کرونا در جنگ دارد و همان مفهوم تحت کنترل بودن و زیردست بودن را نشان می‌دهد. لازم به ذکر است که کرونا در این عبارت، به عنوان دشمن ما، در موقعیت پایین و تحت کنترل است در حالی که انسان‌ها بر ویروس غلبه می‌کنند و در موقعیت بالا قرار می‌گیرند. واژه سرکوب یادآور موقعیت پایین است.

(۱۰) یگان ویژه برای سرکوب کرونا

استعاره‌های دربرگیرنده، که در بالا به آن‌ها اشاره شد، استعاره‌هایی در سطح کلی هستند که دو حوزه مبدأ و مقصد در آنها ثابت نیست و به همین جهت، دامنه وسیعی دارند. استعاره‌های مفهومی کلی استعاره‌هایی هستند که حوزه‌های معنایی متعددی را در بر

می‌گیرند؛ از جمله استعاره ساختار رویداد^۱ که در تفسیر مفاهیمی همچون عملکردها، حالات، تغییرات، و اهداف نقش دارد و همان گونه که از اسمش برمی‌آید، به توصیف رویدادها می‌پردازد، نه اشیاء و غیره. تمامی استعاره‌های دربرگیرنده که در بالا مورد بحث قرار گرفتند نمونه‌ای از استعاره‌های ساختار رویداد هستند. ویژگی اصلی این استعاره‌ها یکسان بودن آنها در همه فرهنگ‌هاست؛ از این رو، زبان‌شناسان شناختی بر این باورند که این استعاره‌ها، مستقل از فرهنگ، به توصیف مفاهیم می‌پردازند (Kövecses, 2005: 43). رویدادهای نام‌برده اشاره به مفاهیم فیزیکی و ملموسی همچون فضاها، فیزیکی، حرکات و نیروها دارند؛ لذا مفاهیم فیزیکی که در ارتباط با بدن ما قابل تفسیرند، بر همگانی بودن این استعاره‌ها دلالت می‌کنند.

۲-۵. ویروس سفر است.

در توصیف ویروس جدید کرونا، حوزه معنایی سفر نیز در بین فارسی‌زبانان رایج است. همچنان که زندگی را در قالب سفر تعریف می‌کنیم، بیماری را نیز در قالب سفر تفسیر می‌کنیم. استعاره‌های سفر دلالت بر طرحواره حرکت دارند، حرکتی که با مبدأ-مسیر-مقصد تداعی می‌شود. در واقع ساختار درونی و الگوی تکرار شونده طرحواره مسیر عبارت است از: مسیر یا نقطه شروع، مقصد یا نقطه پایان، و مجموعه‌ای از مکان‌های مجاور و به هم مرتبط که مبدأ را به مقصد متصل می‌کنند (Johnson, 1990: 113)؛ بنابراین، در هر مسیری، هدفی را دنبال می‌کنیم و در جهت نیل به آن هدف، فعالیت‌هایی انجام می‌دهیم. استعاره‌های **فعالیت‌های هدفمند سفر هستند و اهداف مقصد هستند** اشاره به همین مطلب دارد. ما از استعاره سفر هنگامی استفاده می‌کنیم که در فرایندی، نیاز به برنامه‌ریزی داریم؛ اما لازم به ذکر است که در هر سفری، ما صرفاً حرکت به سمت جلو نداریم، بلکه ممکن است در مواقعی متوقف شویم و در مواردی هم از قطار در حال حرکت در مسیر جا بمانیم، اما مسلماً در نهایت به یک مقصد نهایی می‌رسیم (Jain, 2020). فارسی‌زبانان معمولاً در توصیف امور مهم، پرمشقت و طاقت‌فرسا که مستلزم صرف زمان و تلاشی فراوان است، از استعاره سفر استفاده می‌کنند. به نظر می‌رسد که از نظر فارسی‌زبانان، رویارویی با ویروس کرونا امری مهم و دشوار تلقی می‌شود. استعاره

1. event structure metaphor

ویروس سفر است سختی‌های سفر را تداعی می‌کند و یادآور سفرهای دشوار و طاقت‌فرسا همچون گذر از راه‌های صعب‌العبور کوهستانی و سفرهای دریایی است که طوفان‌های سهمگینی در بردارد. جدول (۲) تطبیق‌های مشاهده شده بین دو حوزه مبدأ و مقصد را در رابطه با ویروس کرونا نشان می‌دهد:

جدول ۲. حوزه‌های مبدأ و مقصد استعاره‌های سفر

حوزه مبدأ	حوزه مقصد
مسافر	بیمار
جاده	بیماری
نقطه آغاز جاده	شروع بیماری
جاده پر دست‌انداز	سختی‌های بیماری
جهت‌ها و مسیرها	تصمیماتی که در جریان بیماری گرفته می‌شود
حرکت به سمت جلو	پیشرفت حاصل در بهبود
مقصد	بهبود بیماری یا مرگ

استعاره‌های زیر، استعاره‌های حوزه معنایی سفر هستند و تنها مواردی که دارای نمونه‌هایی در پیکره تحت بررسی بودند، در این قسمت، ذکر شده‌اند.

۵-۲-۱. عمل حرکت است.

نکته جالبی که درباره استعاره **عمل حرکت است** قابل بررسی است این است که عمل‌ها شامل فعالیت‌های درازمدت‌اند که پیشرفت در آنها یک مسئله مهم تلقی می‌شود. ویژگی بارز عمل‌ها اهداف، نحوه اجرا و سختی‌های مسیر است که در عبارت (۱۱) نیز به وضوح دیده می‌شود. همان‌گونه که پیش‌تر به آن اشاره شد، در طرحواره مسیر، منظور از حرکت هر نوع حرکتی نیست، بلکه منظور حرکتی است که مبتنی بر الگوی مبدأ-مسیر-مقصد باشد. به عبارت دیگر، آنچه مهم تلقی می‌شود هدفی است که در حرکت در یک مسیر دنبال می‌شود.

(۱۱) پیکر کرونا در راه است.

۲-۲-۵. پیشرفت حرکت است.

کنترل کرونا در (۱۲)، مبنی بر کاهش میزان مبتلایان کرونا است که به منزله پیشرفت محسوب می‌شود. این پیشرفت حرکتی به سمت جلو در جاده کنترل است.

(۱۲) کرونا در مسیر کنترل

۳-۲-۵. مشکلات بار هستند.

مشکلات مانع هستند.

«گردنه» و «تنگه» هر دو از واژه‌های قالب مفهومی سفر هستند که مفهوم موانع و سختی‌های مسیر سفر را تداعی می‌کنند. فارسی‌زبانان، برای توصیف فعالیت‌های سخت و طاقت‌فرسا، از حوزه معنایی سفر یاری جسته‌اند. ویروس جدید کرونا مانعی در مسیر زندگی محسوب می‌شود و بدین ترتیب، در جاده زندگی، به تنگنا و تنگه تعبیر می‌شود. در (۱۳)، کرونا همچون گردنه‌ای در مسیر زندگی ما قرار گرفته است. به منظور گذر از این مانع، به فعالان اقتصادی نیاز داریم تا بحران اقتصادی ناشی از ویروس کرونا را مدیریت کنند. در نمونه (۱۴) که صحبت از تنگه کروناست، به تحریم‌ها علیه ایران و یک انگیزه سیاسی اشاره می‌شود. دولت ایران به دنبال آن است که با رفع تحریم‌ها، مشکلات اقتصادی ناشی از بروز بحران کرونا را کنترل کند؛ بنابراین، طبق نظریه کوچش (۲۰۰۵: ۲۴۱)، برخی از الگوهای معنایی اولویت ویژه‌ای در یک فرهنگ دارند و براساس اتفاقات پیش آمده برای یک ملت، برجسته و بارز می‌شوند.

(۱۳) برای عبور از گردنه کرونا، به فعالان اقتصادی نیاز داریم.

(۱۴) عبور تحریم‌ها از تنگه کرونا

استعاره ساختار رویداد نیز در قالب معنایی سفر قابل مشاهده است. تمامی استعاره‌های کلی و دربرگیرنده‌ای که در بالا به آن اشاره شد، از دسته استعاره‌های ساختار رویداد محسوب می‌شوند که ظاهراً، در اکثر فرهنگ‌ها، به صورت همگانی مشاهده می‌شوند. کوچش (۲۰۰۵: ۳۴) اظهار می‌دارد که بسیاری از استعاره‌ها از تجارب فیزیکی بدن ما و فعالیت‌های مغز ما نشئت می‌گیرند؛ بنابراین، یکی از دلایل اصلی استعاره‌های همگانی شبیه بودن عملکرد بدن و مغز همه انسان‌هاست که به صورت یکسان اتفاق می‌افتد و مستقل از فرهنگ یک ملت عمل می‌کند.

۳-۵. ویروس آتش است.

حوزه مبدأ دیگری که در توصیف ویروس کرونا مورداستفاده گویشوران قرار گرفته، الگوی معنایی آتش است که بدین ترتیب ویروس در قالب آتش تعریف می‌شود. مفهوم اصلی نهفته در قالب معنایی آتش سرعت انتشار و قدرت تخریب آن است که در توصیف ویروس کرونا در حوزه معنایی آتش، بیش از همه جنبه‌ها مورد توجه واقع می‌شود. علاوه بر این، عدم توانایی در کنترل آتش با عدم موفقیت در کاهش انتشار ویروس کرونا قابل انطباق است. همچنین، پزشکان و پرستاران که با تجهیزات کامل پزشکی، قصد مهار ویروس را دارند در قالب آتش‌نشان‌هایی تفسیر می‌شوند که در تلاش برای خاموش کردن آتش و مجهز به لباس‌های ضدحریق و ماسک اکسیژن‌اند. لیکن، فارسی‌زبانان گرایش چندانی به کاربرد حوزه معنایی آتش ندارند. شاید دلیل اصلی آن این است که ایران از وجود جنگل‌های استوایی بی‌بهره بوده و مفهوم آتش گرفتن جنگل‌ها، که در زبان‌های دیگر در تفسیر کرونا به‌وفور دیده شده، برای ایرانیان چندان قابل درک نیست. موضوع قابل توجه دیگر آن است که چون علائم انتقال ویروس مشهود نیست، چندان در قالب معنایی آتش قابلیت بحث و بررسی ندارد. به همین دلیل، در میان داده‌های جمع‌آوری شده، تنها یک مورد به توصیف ویروس کرونا در قالب آتش پرداخته است:

(۱۵) کرونا از اروپا شعله‌ور می‌شود.

۴-۵. ویروس نیروی طبیعی است.

حوزه مبدأ دیگری که به تفسیر ویروس کرونا پرداخته قالب معنایی نیروی طبیعی است. در استعاره مفهومی **ویروس نیروی طبیعی است**، ویروس کرونا به‌عنوان طوفان، سیل، سونامی و غیره شناخته می‌شود. دو بعد پراهمیت حوزه معنایی نیروی طبیعی مفاهیمی همچون شدت و عدم کنترل هستند که در مورد کرونا نیز دیده می‌شوند. در این نوع استعاره، ویروس کرونا به طوفانی می‌ماند که با شدت زیاد، هر چیزی را سر راه خود ویران می‌کند و غیرقابل کنترل است. شدت و سرعت انتشار ویروس را با شدت و سرعت وقوع طوفان یا سیل می‌توان مقایسه کرد. استدلال محکمی که در خلق استعاره نیروی طبیعی ملموس است، ماهیت طبیعی آن است که نشان می‌دهد این ویروس از طبیعت و محیط‌زیست نشأت گرفته است و در مقایسه با استعاره جنگ آلودگی دارد (Coll, 2020)؛ البته در خصوص نمونه‌های فارسی، اولویت به استعاره

جنگ داده شده است. تحقیقات قبلی (Nerlich & Halliday, 2007) نیز به کاربرد استعاره نیروی طبیعی در مطبوعات، در توصیف بیماری آنفلوآنزای مرغی، پرداخته‌اند. این دو محقق نشان دادند که با تداوم طوفان کاترینا در آگوست ۲۰۰۵، همه‌گیری آنفلوآنزای مرغی در قالب طوفان و سیل تعریف شده است.

در حوزه معنایی نیروی طبیعی، نمونه‌های فارسی زیر قابل بررسی است. در جمله (۱۶)، کرونا به منزله رودخانه‌ای است که ناگهان طغیان می‌کند و باعث بروز سیل می‌شود. در فارسی واژه «طغیان» در تعبیر مفهوم سیل به کار می‌رود:

(۱۶) کرونا در تهران طغیان خواهد کرد.

در میان گویشوران زبان فارسی، هر اتفاق وحشتناک، مخرب و غیرقابل کنترلی در قالب سونامی تعریف شده است. کرونا، به عنوان یک ویروس خطرناک، کشنده و غیرقابل کنترل چون سونامی تعبیر می‌شود. کاربرد سونامی در جمله (۱۸) هشدار برای فاجعه‌ای احتمالی و قریب‌الوقوع است.

(۱۷) آغاز موج جدید کرونا

(۱۸) سونامی کرونا در راه است.

مثال جالب دیگری که در میان داده‌ها، در حوزه معنایی نیروی طبیعی، مشاهده شد جمله (۱۹) است که صحبت از دو سیل است: سیل واقعی در کرمان و سیل کرونا که به صورت استعاره‌ای به کار رفته است. گوینده این جمله سیل استعاره‌ای کرونا را مهم‌تر و مخرب‌تر می‌داند و معتقد است که سیل کرمان در جریان سیل عظیم کرونا، که همه کشور را در بر گرفته، فراموش شده است. آنچه در همه مثال‌های بالا قابل توجه است، شدت و عدم کنترل نیروی طبیعی است.

(۱۹) سیل کرمان در کرونا غرق شد.

۵-۵. ویروس حیوان وحشی است.

حوزه مبداء دیگری که در توصیف کرونا به کار گرفته شده، حوزه معنایی حیوان وحشی است. ویروس کرونا در قالب یک حیوان وحشی در نظر گرفته می‌شود که در سطح وسیعی، قربانی می‌گیرد وحشی بودن، حمله کردن، و نداشتن قدرت نطق خصوصیت

متمایز و برتر حیوانات است که با آن شناخته می‌شوند. فارسی‌زبانان در توصیف کرونا از حوزه معنایی حیوان وحشی هم بهره برده‌اند که در مثال‌های زیر قابل مشاهده است:

(۲۰) موزه‌ها در برابر غول کرونا

(۲۱) هشت تصمیم برای فرار از آسیب کرونا

(۲۲) شکار کرونا در ایران و جهان

علاوه بر این، در بین نمونه‌های فارسی، مثال‌هایی دیده شده که کرونا را، به واسطه سرعت بالای انتشار آن، در قالب اسب تعریف کرده‌اند:

(۲۳) کرونا به پیش می‌تازد.

(۲۴) تاخت‌وتاز کرونا بر روی کره زمین

۶-۵. ویروس یک انسان است.

توصیف ویروس کرونا در قالب انسان و شخصیت‌سازی از ویروس نیز در میان گویشوران زبان فارسی بسیار متداول است، چنان‌که طبق جدول (۳)، بعد از استعاره‌های جنگ، بیشترین حجم استعاره‌های مشاهده‌شده را به خود اختصاص داده‌اند. مثال‌های زیر گواهی بر این ادعا هستند:

(۲۵) کرونا دموکرات نیست.

(۲۶) کرونا پررو می‌شود.

(۲۷) شانه‌به‌شانه با کرونا در خیابان‌های شلوغ

(۲۸) همزیستی با ویروس تاج‌دار

(۲۹) کرونا می‌تواند ترامپ را شکست دهد؟

(۳۰) کرونا جان قاچاق سوخت را گرفت.

(۳۱) کرونا مهمان ناخوانده

مثال‌های بالا، همگی، خصوصیت‌های انسان را به کرونا نسبت داده‌اند و در واقع، به کرونا شخصیت می‌دهند. طبق طبقه‌بندی لیکاف و جانسون، این گونه استعاره‌ها در دسته استعاره‌های هستی‌شناختی^۱ قرار می‌گیرند. به‌عنوان مثال، جمله (۲۵) با یاری جستن از یک

1. ontological metaphor

تصویر سیاسی، ویروس کرونا را با الگوی معنایی انسان تعریف می‌کند؛ کرونا با نادیده گرفتن حقوق مردم و نظریات آنها، مفهوم دیکتاتوری را تداعی می‌کند.

۷-۵. ویروس بازی است.

شاید اولین پیامی که در الگوی شناختی بازی به ذهن می‌رسد برد و باخت باشد که در جریان بازی با کرونا مورد توجه قرار می‌گیرد. ایده اصلی دیگر در حوزه معنایی بازی، متحد شدن در یک تیم علیه کروناست. با این حال، براساس فراوانی این نوع استعاره در داده‌های تحت بررسی، این گونه به نظر می‌رسد که فارسی‌زبانان گرایشی برای توصیف کرونا در قالب معنایی بازی ندارند و این حوزه مبدأ، در فرهنگ ایرانی، برای توصیف بیماری در اولویت قرار ندارد.

(۳۲) برندگان و بازندگان کرونا

۸-۵. ویروس ابزار است.

آخرین حوزه معنایی مورداستفاده جهت توصیف ویروس کرونا حوزه ابزار است که در جملات زیر دیده می‌شود:

(۳۳) سیلی خوردگان از ملت ایران آویزان ویروس شدند.

نمونه (۳۳) کرونا را همچون قلابی تلقی کرده است که می‌توان به آن آویزان شد. این استعاره انگیزه‌ای سیاسی در بر دارد و به دشمنان ایران اشاره می‌کند که برای رسیدن به اهداف خویش، در پی استفاده از کرونا هستند. دشمنان ایران که در پی جستن راهی برای برقراری ارتباط با ملت ایران بوده‌اند، این بار کرونا را ابزاری برای نیل به اهداف خود قرار داده‌اند و دولت ایران را به ناتوانی در کنترل انتشار ویروس متهم کرده‌اند.

جمله (۳۴) نیز ویروس را به منزله فتر فشرده‌ای می‌داند که انرژی فراوانی دارد و قادر است نیروی عظیمی وارد کند و فاجعه‌ای بزرگ بیافریند. به بیان دیگر، رعایت موارد بهداشتی منجر به بهبود اوضاع سلامت مردم می‌شود؛ لذا اگر کرونا را چون فتری تصور کنیم، در این شرایط جمع می‌شود. هنگامی که این فتر رها شود، انرژی مضاعفی را آزاد می‌کند که بی‌شباهت با شرایط جامعه نیست. با عدم رعایت موارد بهداشتی، کرونا (فتر) رها می‌شود و در هر موج و پیک کرونایی، تلفات بیشتری بر جای می‌گذارد.

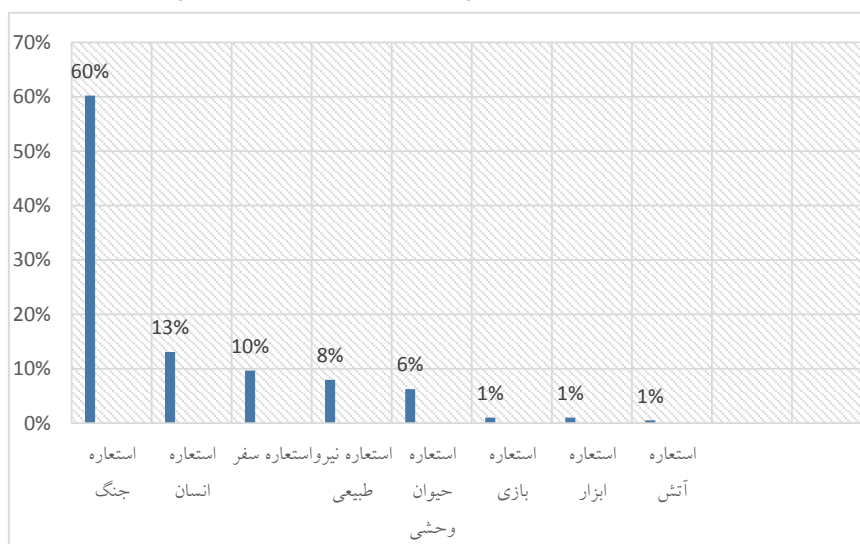
(۳۴) نگذاریم فتر کرونا آزاد شود.

جدول (۳) و نمودار (۱)، به تفکیک حوزه شناختی مبدأ، فراوانی استعاره‌های موجود در پیکره تحت بررسی را به‌وضوح نشان می‌دهند. همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد، استعاره‌های جنگ، بیش از سایر حوزه‌های معنایی، در فرهنگ فارسی اولویت دارند و این احتمالاً حاکی از آن است که برجسته‌سازی مفاهیم و استعاره‌های جنگ در توصیف ویروس کرونا ریشه در تاریخ و اتفاقات رخ داده برای این ملت دارد.

جدول ۳. نوع و فراوانی استعاره‌های مربوط به کرونا

فراوانی	نوع استعاره
۱۰۶	استعاره جنگ
۲۳	استعاره انسان
۱۷	استعاره سفر
۱۴	استعاره نیروی طبیعی
۱۱	استعاره حیوان وحشی
۲	استعاره ابزار
۲	استعاره بازی
۱	استعاره آتش
۱۷۶	کل

نمودار (۱)، نمودار فراوانی استعاره‌ها در هر حوزه معنایی



۶. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، استعاره‌هایی که در تعریف و تفسیر ویروس جدید کرونا در روزنامه‌های فارسی مشاهده شد مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور، تئوری استعاره‌های مفهومی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) و نظریه استعاره‌های همگانی کوچش (۲۰۰۵) به کار برده شد. همچنین، طبق تطبیق‌های شناختی بین دو حوزه معنایی مبدأ و مقصد، به جست‌وجوی استعاره‌های کلی دربرگیرنده هر حوزه معنایی پرداختیم و در تلاش برای یافتن تجلی آنها در زبان روزمره به نمونه‌هایی دست یافتیم.

بخشی از یافته‌های ما با نتایج پژوهش‌های قبلی (مانند، Semino et. al., 2018; Gibbs & Frank, 2002; Reusefield & Wilson, 2004) همسو بوده است. پژوهش حاضر، با مطالعه زبان مطبوعات، به بررسی استعاره‌های استفاده‌شده در مورد ویروس کرونا پرداخت و نشان داد که در بین همه حوزه‌های معنایی، حوزه جنگ بیش از همه موارد در اولویت بوده است (رجوع شود به جدول ۳ و نمودار ۱).

کاوشی در نمونه‌های به‌دست‌آمده از داده‌های فارسی منجر به تجلی حوزه‌های مبدأ متعددی در توصیف کرونا شد که عبارت‌اند از: جنگ، سفر، نیروی طبیعی، حیوان وحشی، انسان، بازی، ابزار و آتش. در جدول (۳) و نمودار (۱) این حوزه‌های مبدأ، با ارائه فراوانی آنها در زبان روزمره، به‌وضوح نمایش داده شده‌اند. به‌عنوان مثال، قالب شناختی و مفهومی جنگ بیش از همه و قالب آتش کمتر از همه حوزه‌ها در استعاره‌ها تجلی یافته‌اند. استعاره‌های متداول در میان گویشوران یک فرهنگ، به‌صورت طبیعی و ناخودآگاه، در زبان روزمره به کار می‌روند. ظاهراً استعاره‌های جنگ در میان گویشوران زبان فارسی رایج بوده و کاملاً در نظام ذهنی آنها ریشه دوانده است.

نکته مهم دیگری که در این کاوش بدان اشاره شد، استعاره همگانی «ساختار رویداد» بود که معرف استعاره‌های خاص با حوزه‌های مبدأ و مقصد ویژه‌ای است. در این پژوهش، دریافتیم که استعاره‌های ساختار رویداد که استعاره‌هایی در تفسیر و درک عمل، اهداف، حالات و امثال آن هستند، به توصیف رخدادها می‌پردازند و نه اشیاء و نکته مهم‌تر اینکه از آنجا که در توضیح اعمال و حالات، اعضای بدن انسان درگیر هستند، استعاره‌های ساختار رویداد همگانی و مستقل از فرهنگ تعبیر می‌شوند.

به‌طور کلی، هر زبان دارای حوزه‌های مبدأ ویژه‌ای متناسب با فرهنگ خود است که در تفسیر مفاهیم پیچیده و انتزاعی، گویشوران را یاری می‌دهد. درک استعاره‌ای مفاهیم، به‌صورت منظم و طبیعی و از طریق طرحواره‌های ذهن ما که حاوی تجربیات ما از دنیا هستند، اتفاق می‌افتد؛ بنابراین، ممکن است درک ما از اتفاقات دنیا و اشیاء پیرامون، به‌واسطه این فضاهاى ذهنی در فرهنگ‌های متفاوت، متمایز باشد. ارزیابی استعاره‌ها در زبان‌های مختلف مستلزم مطالعه و بررسی فضاهاى ذهنی گویشوران آن زبان‌هاست که از طریق زبان استعاره‌ای ظهور می‌یابد.

این پژوهش تلاشی بود به‌منظور بررسی استعاره‌هایی در توصیف بیماری جدید کرونا که براساس آنها، ویروس در قالب حوزه مقصد معرفی می‌شود و به یاری حوزه‌های مبدأ متعددی، مبتنی بر فرهنگ ایرانی، تعبیر و تفسیر می‌شود. پژوهش‌های آتی می‌توانند به بررسی ویروس کرونا در حوزه مبدأ پردازند و مفاهیم گسترده‌تری را که در قالب مفهوم کرونا تعریف می‌شوند کشف کنند؛ علاوه بر این، می‌توانند تحقیقی مشابه درخصوص ویروس جدیدی به نام کاوازاکی، چه به‌صورت حوزه مبدأ و چه به‌صورت حوزه مقصد، انجام دهند. طبق گزارش‌ها، ویروس کاوازاکی، بر خلاف کرونا، غالباً در میان کودکان رؤیت شده است. از این رو، به نظر می‌رسد بررسی مقابله‌ای استعاره‌های به‌کاررفته در تفسیر این دو بیماری جالب توجه خواهد بود.

از آنجا که ویروس کرونا ویروس جدیدی است و در قالب حوزه‌های معنایی متعددی تعریف شده، یافته‌های این تحقیق برای محققان علاقه‌مند به حوزه استعاره‌های مفهومی جالب به نظر می‌رسد و پژوهشگران این حوزه قادرند نتایج این پژوهش را با پژوهش‌های آتی خود مقایسه کنند.

در انجام این تحقیق، ما با محدودیت‌هایی مواجه بودیم که اشاره به آن خالی از لطف نیست. از آنجا که ویروس کرونا یک رویداد جدید بود، پیکره‌ای خاص و متمرکز درباره داده‌های مربوط به این ویروس وجود نداشت تا در جمع‌آوری داده‌ها ما را یاری رساند؛ لذا ممکن است پژوهش‌های آتی، با دسترسی به پیکره‌ای مناسب و خاص این ویروس، بتوانند نتایج حاصل از این پژوهش را تأیید، تکمیل و تقویت کنند.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Somayeh Hatamzadeh



<https://orcid.org/0000/0002-9831-300X>

Reza Kazemian



<https://orcid.org/0000-0002-1437-0243>

منابع

وهابیان، مهرانگیز و ایزدی‌فر، راحله. (۱۳۹۸). کاربرد استعاره در بیان بیماری سرطان. پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، ۹(۱۸)، ۲۰۷-۲۲۴. doi: 10.22084/rjhl.2019.19500.1949

References

- Abbasvandi, M., & Maghsoudi, M. (2013). A Contrastive socio-pragmatic analysis of anger metaphors in English and Persian. *European Online Journal of Natural and Social Sciences*, 2(2s), 50-58.
- Amouzadeh, M., Tavangar, M., & Sorahi, M. A. (2012). A cognitive study of color terms in Persian and English. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 32, 238-245. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2012.01.035>
- Chiang, W. Y., & Duann, R. F. (2007). Conceptual metaphors for SARS: 'war' between whom? *Discourse & Society*, 18(5), 579-602. <https://doi.org/10.1177/0957926507079631>
- Coll, S. (2020, April 16). Woodrow Wilson's Case of the Flu, and How Pandemics Change History. Retrieved June 1, 2020, from <https://www.newyorker.com/news/daily-comment/woodrow-wilsons-case-of-the-flu-and-how-pandemics-change-history>
- Deignan, A. (2005). *Metaphor and corpus linguistics*. Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins.
- Fowler, R. (1991). *Language in the News: Discourse and Ideology in the Press*. London: Routledge.
- Gibbs, R. W., & Franks, H. (2002). Embodied metaphor in women's narratives about their experiences with cancer. *Health Communication*, 14(2), 139-165. https://doi.org/10.1207/s15327027hc1402_1
- Johnson, M. (1990). *The Body in the Mind: The Bodily Basis of Meaning, Imagination, and Meaning*. Chicago and London, University of Chicago Press.
- Jain, M. A., (2020, April 26). Use of War Metaphors for COVID-19 Divides People, Spreads Fear. Retrieved June 1, 2020, from <https://www.indiaspend.com/use-of-war-metaphors-for-covid-divides-people-spreads-fear/>
- Kort, S. (2017). *Metaphor in Media Discourse: Representations of 'Arabs' and 'Americans' in American and Arab News Media* [Unpublished doctoral dissertation]. Bristol University of West England.
- Kövecses, Z. (2002). *Metaphor: A practical introduction*. Oxford: Oxford University Press.
- Kövecses, Z. (2005). *Metaphor in culture: Universality and variation*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Kövecses Z. (2009) Metaphor, Culture, and Discourse: The Pressure of Coherence. In: Musolff A., & Zinken J. (eds.) *Metaphor and Discourse*. Palgrave Macmillan, London. doi:10.1057/9780230594647_2
- Kövecses, Z. (2010). Culture and Language. *Studia Slavica Academiae Scientiarum Hungaricae*, 55(2), 339-345. doi:10.1556/sslav.55.2010.2.20
- Kövecses, Z. (2020). *Extended Conceptual Metaphor Theory*. New York, Cambridge University Press.
- Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). *Metaphors we live by*. Chicago: University of Chicago press.
- Lakoff, G., & Turner, M., (1989). *More Than Cool Reason: A Field Guide to Poetic Metaphor*. Chicago: University of Chicago Press.
- Lakoff, G. (1990). The Invariance Hypothesis: Is Abstract Reason Based on Image Schemas? *Cognitive Linguistics*, 1, 39-74.
- Negro, I. (2016). The human being as the target of crisis metaphors in English, Spanish and French. *Metaphor and the Social World*, 6(2), 177-204. <https://doi.org/10.1075/msw.6.2.01neg>
- Nerlich, B., & Halliday, Ch. (2007). Avian flu: the creation of expectations in the interplay between science and the media. *Sociology of Health & Illness*, 29(1), 46-65. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9566.2007.00517.x>
- Pirzad Mashak, Sh., Pazhakh, A., & Hayati, A., (2012). A comparative Study on Basic Emotion Conceptual Metaphors in English and Persian Literary Texts. *International Education Studies*, 5(1). <https://doi.org/10.5539/ies.v5nlp200>
- Pragglejaz Group. (2007). MIP: A method for identifying metaphorically used words in discourse. *Metaphor and Symbol*, 22, 1-39.
- Reisfield, G. M., & Wilson, G. R. (2004). Use of Metaphor in the Discourse on Cancer. *Journal of Clinical Oncology*, 22(19), 4024-4027. <https://doi.org/10.1200/jco.2004.03.136>
- Semino, E. (2008). *Metaphor in Discourse*. Cambridge, England: Cambridge University Press.
- Semino, E., Demjén, Z., Hardie, A., Payne, Sh., & Rayson, P. (2018). *Metaphor, cancer and the end of life: A corpus-based study*. London: Routledge.
- Semino, E., Demjén, Z., Demmen, J., Koller, V., Payne, Sh., Hardie, A., & Rayson, P. (2015) . The online use of Violence and Journey metaphors by patients with cancer, as compared with health professionals: a mixed methods study. *BMJ Supportive & Palliative Care*, 7(1), 60-66. <https://doi.org/10.1136/bmjspcare-2014-000785>
- Sontag, S. (1979). *Illness as metaphor*. New York: Vintage.
- Stockwell, P. (2002). *Cognitive Poetics: An Introduction*. London, England: Routledge.
- Van Dijk, T. A. (1988). *News analysis. Case Studies of International and National News in the Press*. New Jersey: Lawrence.
- Zinken, J. (2007). Discourse metaphors: The link between figurative language and habitual analogies. *Cognitive Linguistics*, 18(3), 445-466. <https://doi.org/10.1515/cog.2007.024>

Vahabian, M., & Izadifar, R. (2019). Use Metaphor in the Discourse of Cancer. *Comparative Linguistics Studies*, (18)9, 207-224. <https://doi.org/10.22084/rjhll.2019.19500.1949> [In Persian].

استناد به این مقاله: حاتم‌زاده، سمیه، کاظمیان، رضا. (۱۴۰۰). بررسی شناختی استعاره‌های مفهومی کرونا در مطبوعات

فارسی‌زبان ایران. *علم زبان*، ویژه‌نامه کرونا، سال ۸، ۵۷-۸۶. Doi: 10.22054/ls.2020.53499.1353



Language Science is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.